

پرسمان سیاسی

جریان شناسی انتخابات خرداد ۹۲

گاهنامه هادی

شماره: ۰۳

تاریخ: ۹۱/۱۱/۴

باسمه تعالی

پرسمان سیاسی

امروزه در عصر انفجار اطلاعات، سرعت و پیچیدگی تحولات سیاسی، فرهنگی، اجتماعی و اقتصادی در حوزه ملی و فراملی به قدری زیاد است که با کار نوبه ای اطلاع رسانی نمی شود به تمام سوالات و شبهاتی که در این حوزه ها در اذهان مخاطبان ایجاد می شود پاسخ داد، بلکه نیاز به کارهای زود بازده مثل طرح سوالات و پاسخ به آنها دارد تا هم به شبهات و مطالبات مخاطبان پاسخ داده شود و هم فرصت برای کار دقیق، عمقی و علمی تر در اختیار سازمان قرار گیرد.

در راستای پاسخ به پرسش های مستحدثه در حوزه های داخلی سیاسی و به ویژه تبیین ابعاد و زوایای مختلف جریان شناسی جریانات فعال در عرصه انتخابات ریاست جمهوری دوره یازدهم، پایگاه خبری تحلیلی هادی، این شماره از نشریه سخن هادی را تحت عنوان «**پرسمان سیاسی**» به مهمترین سئوالاتی که در حوزه جریان شناسی انتخابات خرداد ۹۲ مطرح می شود، اختصاص می دهد. امید است مورد بهره برداری کاربران عزیز، قرار گیرد.

پایگاه

خبری تحلیلی

هادی

سوال ۱- دلایل اهمیت انتخابات دوره یازدهم ریاست جمهوری اسلامی ایران چیست؟

۱. تجمع انتخابات ریاست جمهوری و شوراها که برای نخستین بار صورت می گیرد.
۲. پایان دوره احمدی نژاد و امکان مساوی رقابت چهره‌های جدید
۳. با احتمال رای آوری رئیس جمهور در دور بعدی، امکان مدیریت قوه مجریه برای مدت ۸ سال وجود دارد.
۴. آرایش جدید سیاسی و شکل‌گیری رقابت سیاسی متکثر
۵. احتمال بروز پدیده‌های غیر مترقبه به دلیل حساسیت‌های موجود که می تواند به فتنه‌ای دیگر بینجامد.
۶. تاثیر یک دهه عملکرد اصولگرایان بر نتیجه انتخابات
۷. بیداری اسلامی و تاثیر نتیجه انتخابات بر روند آن
۸. تاثیر احتمالی فشار تحریم بر نگرش مردم
۹. امکان سوء استفاده از وضعیت اقتصادی بویژه تورم و بیکاری

سوال ۲- نظام اسلامی در انتخابات سال آینده چه اهدافی را دنبال می کند؟

نظام اسلامی در انتخابات ۹۲ همچون گذشته به دنبال مشارکت گسترده مردم و فراهم شدن بسترهای لازم برای انتخاب نامزد اصلح توسط مردم می باشد.

مقام معظم رهبری در سفر به استان خراسان شمالی که به لحاظ زمانی ۹ ماه به انتخابات یازدهم ریاست جمهوری مانده بود، طی بیاناتی در دیدار با بسیجیان شیروان، خواسته‌های نظام در این انتخابات را سه چیز برشمرده و فرمودند:

«آن چیزی که در مورد انتخابات خواسته‌ی ماست، فکر ماست، آرزوی ماست، این چند چیز است:

اول اینکه شرکت مردم در انتخابات، یک مشارکت عظیمی باشد؛ این مصون‌کننده است. همه‌ی تلاش دست‌اندرکاران، امروز و فردا و روز انتخابات و در اثنای مقدمات و مؤخرات، باید این باشد: حضور مردم، حضور گسترده‌ای باشد.

دیگر اینکه از خدا بخواهیم و خودمان هم چشممان را باز کنیم؛ کاری کنیم که نتیجه‌ی انتخابات، یک گزینش خوب و همراه با صلاح و صرفه‌ی انقلاب و کشور باشد. این معنایش این نیست که اگر ما کسی را نپسندیدیم، با او بداخلاقی کنیم، برخورد تند و سخت و غلط بکنیم؛ نه. آن کسانی که خودشان را صالح میدانند، برای خودشان اهلیت قائلند، وارد میدان شوند. ما هم که می‌خواهیم انتخاب کنیم، نگاه کنیم، حقیقتاً با معیارهایی که معتقدیم و بین همه‌ی ماها مشترک است، بسنجیم. شاید بشود گفت که بین همه‌ی ایرانی‌ها - معتقدین به انقلاب - این معیارها تقریباً مشترک است. در هر کسی که این معیارها را مشاهده کردیم، کوشش کنیم، تلاش کنیم، کار کنیم - کار سالم - که انتخابات به سمت انتخاب یک چنین کسی برود.

نکته‌ی اساسی سوم - که امروز من به همین اندازه اکتفاء می‌کنم؛ البته بعدها ممکن است حرف‌های زیادی در مورد انتخابات داشته باشیم - این است که انتخابات برای کشور مایه‌ی آبروست، مایه‌ی افتخار است. همه مراقب باشند که انتخابات مایه‌ی بی‌آبرویی برای کشور نشود؛ آن طوری که در سال ۸۸ یک عده‌ای سعی کردند انتخابات را مظهر

اختلافات وانمود کنند؛ جنجال سیاسی طبیعی انتخابات را تبدیل کنند به یک فتنه؛ که البته ملت ایران در مقابلش ایستاد و هر وقت هم شبیه آن اتفاق بیفتد، ملت در مقابل آن خواهد ایستاد».

از دیگر خواسته های مقام معظم رهبری که در مراسم ۱۹ دی بیان فرمودند، عبارتند از:

۱- توجه به نقشه های دشمن در انتخابات که سه هدف را دنبال می کند: تلاش برای تعطیل کردن انتخابات، جلوگیری از حضور پرشور مردم و ماجراجویی سیاسی، اقتصادی یا امنیتی.

۲- پرهیز از طرح انتخابات آزاد

۳- مایوس نکردن مردم از انتخابات

۴- پر نکردن جدول دشمن با زیر سوال بردن بررسی صلاحیت ها

۵- زیر سوال نبردن سلامت انتخابات

۶- جلوگیری از تکرار فتنه ۸۸.

۷- کمک به سلامت انتخابات با قانون گرایی

۸- وارد نشدن نامزدهایی که نمی توانند بار اجرایی کشور را به دوش کشند.

۹- کناره گیری نامزدهایی که صلاحیت های مدنظر قانون اساسی و شورای نگهبان را نداشته و با عدم باور به قانون، قصد سوگند دروغ را دارند.

سوال ۳- دشمنان انقلاب چه راهبردهایی را برای انتخابات خرداد ۹۲ جمهوری اسلامی ایران دنبال می کنند؟

مخالفین و معاندین نظام اسلامی شامل کشورهای غربی و عربی تا کلیه گروه های اپوزیسیونی داخل و خارج از کشور طیف وسیعی را در بر می گیرد که عبارتند از:

۱- آمریکا

۲- رژیم صهیونیستی

۳- اروپا

۴- برخی از کشورهای عربی منطقه

۵- گروهک منافقین

۶- گروهک های تجزیه طلب قومی (پژاک، جندالشیطان و ...)

۷- طیف لیبرال و سلطنت طلب

۸- طیف چپ مارکسیستی

۹- گروهک ملی - مذهبی ها و نهضت آزادی

۱۰- طیف خارج نشین فتنه سبز

۱۱- فرقه های ضاله مذهبی (بهائیت، وهابیت، دراویش و ...)

راهبردهای انتخاباتی مشترک این مجموعه که می توان از آنها تحت عنوان نظام سلطه یاد کرد، عبارتند از:

فرصت سازی از انتخابات برای بسیج اجتماعی علیه نظام اسلامی به منظور تغییر سیاسی

به قدرت رساندن جریان‌های همسو با منافع غرب
مشروعیت زدایی از نظام اسلامی
تبدیل کردن انتخابات به فرصتی برای براندازی نرم
نفوذ در بدنه قدرت و پیگیری مطالبات از طریق گروه‌های مستعد
مشروعیت زدایی از نظام اسلامی

تاکتیک‌های انتخاباتی نظام سلطه برای رسیدن به راهبردهای فوق را می‌توان در موارد زیر خلاصه کرد:

اعمال سیاست فشار و تحریم اقتصادی بر نظام
اقدام برای تحمیل نظارت‌های بین‌المللی بر انتخابات
بی‌اعتبارسازی سازوکارهای انتخابات
زیر سوال بردن سلامت انتخابات
القاء نبود آزادی و فضای رقابت در انتخابات
بی‌ثبات سازی و ناامن سازی انتخابات
القاء یاس و ناامیدی و ناکارآمدنمایی
بی‌اعتبارسازی جریان‌ها و نامزدهای همسو با نظام
سپاه هراسی و القاء و متهم کردن سپاه و بسیج به دخالت در انتخابات
هجمه علیه رهبری و القاء دخالت و جانبداری در انتخابات
بسیج رسانه‌ای برای فضا سازی علیه روند انتخابات در کشور
فشار بر نظام برای پذیرش نظارت‌های بین‌المللی بر انتخابات
بی‌اعتبارسازی سازوکارهای انتخابات
زیر سوال بردن سلامت انتخابات
بی‌ثبات سازی و ناامن سازی انتخابات
تلاش برای ممانعت از بازگشت اصلاح طلبان به درون نظام
سیاه نمایی و بزرگنمایی مشکلات برای تاثیر گذاری بر فضای انتخابات
تخریب جریان‌ها و نامزدهای همسو با نظام
تخریب سپاه و بسیج و دیگر نهادهای انقلابی و متهم کردن به دخالت در انتخابات
تخریب رهبری

سوال ۵- برای تاثیر گذاری بر انتخابات آینده چه طرح‌هایی در دستور کار قرار دارد؟

اگرچه در کنار طرح‌های آشکار، ایده‌ها و طرح‌های پنهان و پیچیده هم وجود دارند اما چند طرح انتخاباتی نیز تاکنون مطرح شده‌اند که هر یک از آنها می‌توانند تاثیر زیادی بر آرایش‌های انتخاباتی و صف‌آرایی قطب‌های آینده داشته باشند. از همین رو، به برخی از آنها اشاره می‌شود:

الف) تحریم انتخابات: یکی از طرح‌های احتمالی برای انتخابات پیش‌رو، تحریم انتخابات می باشد که معمولا از سوی جریان‌ها یا گروه‌های سیاسی اتخاذ می شود که امیدی به نتیجه انتخابات ندارند. تحریم البته انواع گوناگونی دارد که از جمله آنها تحریم انفعالی و تحریم فعال می باشد. در تحریم نوع اول قهر با انتخابات صرفا با هدف کاهش مشارکت صورت می گیرد که تحریم کنندگان از معرفی نامزد خودداری می کنند اما در تحریم نوع دوم علاوه بر عدم مشارکت در رقابت‌ها، تلاش می کنند تا از حضور مردم در پای صندوق‌های رای نیز جلوگیری کنند. به نظر می رسد تجربه اصلاح طلبان از انتخابات مجلس نهم نشان می دهد که قهر آنها با صندوق‌های رای تاثیری بر مشارکت مردمی نداشته و قاعدتا نباید این رفتار را تکرار کنند اما تلاش‌های محسوس افراطیون و فشار به طیف میانه جهت عقب نشینی از موضع مشارکت فعال نمایانگر احتمال استفاده از طرح تحریم می باشد که البته مقاومت نیروهای معتدل اصلاحات در آن نقش زیادی دارد. این طرح در انتخابات گذشته با اقدام شرکت در سکوت خنثی شد. چنانچه خاتمی در بعدازظهر روز ۱۲ اسفند و در یکی از شعبات گمنام به پای صندوق رای رفت.

در انتخابات ۹۲ نوع دیگری از تحریم نیز متصور می باشد که ناشی از همزمانی دو انتخابات ریاست جمهوری یازدهم با شوراهای اسلامی شهر و روستا می باشد. در این شیوه، احتمالا برخی از گروه‌ها اقدام به تحریم صوری در انتخابات ریاست جمهوری نموده اما هدف خود را نفوذ بر کرسی شوراها قرار می دهند.

ب) وحدت ملی: این طرح از سوی طیف‌های معتدل اصلاح طلب و گروه‌های نزدیک به کارگزاران مطرح گردیده و مقصود آنها از این طرح مدیریت هم‌زمان اصلاح طلبان و اصولگرایان می باشد.

بر همین اساس در تعریف هدف طرح وحدت ملی گفته می شود طرح دولت وحدت ملی یا دولت آشتی ملی ایجاد شرائط مناسب برای ورود مجموعه چهره‌ها و احزاب از مجموعه اندیشه‌ها و تفکرات متفاوت و مشارکت آنان در شکل‌دهی دولت همچون جریان اصلاح طلب، کارگزاران و اصولگرایان می باشد.

چنانچه این طرح با موفقیت روبرو شود شاهد بازگشت جریان‌هایی همچون کارگزاران و اصلاح طلبان به درون حاکمیت خواهیم بود و همچنین برخی از شخصیت‌هایی که همواره در تلاش هستند تا محور باشند، به محور تبدیل خواهند شد.

برخلاف ظاهر این طرح که تحت عنوان «وحدت ملی» کاملا قابل دفاع و موجه جلوه می کند اما محصول آن که به طور طبیعی به دولتی با خصوصیات شرکت سهامی منجر می شود که تجربه موفق از این گونه دولت‌ها با ترکیبی از گروه‌ها و شخصیت‌های ناهمگن ندارد. بویژه آنکه برای این طرح می توان اهداف دیگری هم قائل شد که بازگرداندن عوامل فتنه ۸۸ به قدرت و صحنه سیاسی بدون پرداخت هیچ هزینه‌ای از جمله آنها می باشد.

ج) انتخابات آزاد: این طرح که هم‌زمان از سوی عوامل داخلی فتنه و بازیگران خارج نشین آن مطرح می شود، تقریبا شباهت زیادی به بازی اصلاح طلبان در سال ۸۸ دارد که از شش ماه قبل برای زیر سوال بردن نتیجه انتخابات اقدام به تشکیل کمیته صیانت از آراء نمودند. انتخابات آزاد دقیقا می تواند نقش تقلب را به عنوان رمز آشوب فتنه ۹۲ ایفاء کند با این تفاوت که:

۱- با استفاده از شعار انتخابات آزاد می توان انتخابات را قبل از برگزاری هم زیر سوال برد و غائله آشوب را به بهانه رد صلاحیت‌ها و اینکه انتخابات آزاد نیست، تدارک کرد. ضمن آنکه در مرحله اعلام نتایج نیز جریان بازنده انتخابات

می‌تواند با ادعای اینکه ما گفته بودیم که انتخابات آزاد نیست و شرایط یکسان برای همه نامزدها فراهم نبوده، به نتیجه انتخابات تمکین نکند.

۲- دومین تمایز انتخابات آزاد با تقلب این است که در فتنه ۸۸ کسانی روی تقلب سرمایه‌گذاری می‌کردند که بیرون از قدرت بودند، این در حالی است که انتخابات آزاد هم از سوی اصلاح‌طلبان بیرون قدرت و هم از سوی برخی از مجریان و برگزارکنندگان انتخابات مطرح می‌شود و اگر هر دو جریان انحراف و فتنه روی همین شعار ایستادگی کنند آن‌گاه باید فتنه بزرگی را تصور کرد که در یک سوی طیف آن آمریکا و اپوزیسیون خارج از کشور قرار گرفته و سوی دیگر آن برگزارکنندگان انتخابات.

د) نجات ملی: غرب به سرکردگی آمریکا در آستانه انتخابات ریاست جمهوری یازدهم راهبرد و تاکتیک‌هایی در نظر گرفته که در قالب طرح «نجات ملی» تعریف شده است. این طرح به دلیل حمایت‌های غرب سناریو نیز خوانده شده است. بر این اساس، مقصود غرب از سناریو نجات ملی این است که مسائل اقتصادی کشور در سایه تحریم‌های هوشمندانه غرب به گونه‌ای پیش خواهد رفت که همه گروه‌های سیاسی، نخبگان و مردم ایران به دنبال چهره‌ای خواهند بود که بتواند آنها را به عنوان ناجی از این وضعیت نجات بخشد.

تحریم‌های نفتی و بانکی، به بن بست کشاندن مذاکراتی که می‌توانست منجر به لغو تحریم‌ها گردد، دامن زدن به بحران سوریه و سامان‌دهی یک جنگ رسانه‌ای تمام‌عیار از جمله تاکتیک‌هایی می‌باشند که دشمنان انقلاب اسلامی در راستای سناریو «نجات ملی» ترسیم نموده‌اند.

راهبرد اصلی در این سناریو به تسلیم کشاندن نظام اسلامی در مواضعی چون؛ حمایت از مقاومت در مقابل رژیم صهیونیستی شامل سوریه، لبنان و غزه، تداوم غنی‌سازی ۲۰ درصد و مقابله با روح سلطه‌جویی غرب در برابر امواج بیداری اسلامی می‌باشد.

سوال ۶- دشمنان ملت ایران چه برنامه‌هایی را در چارچوب سناریوی نجات ملی تدارک دیده‌اند؟

- ۱- بی‌ثبات‌سازی اقتصادی از طریق تشدید تحریم‌های نفتی و اختلال در سیستم بانکی و
- ۲- بی‌ثبات‌سازی سیاسی با ایجاد بی‌اعتمادی بین مردم و مراجع ثبات‌ساز بویژه در سطح رهبری نظام
- ۳- تلاش برای امنیتی کردن فضای انتخابات از طریق تنش‌های اجتماعی ناشی از فشارهای معیشتی
- ۴- حمایت از یک جریان خاص با توجه به شاخصه‌هایی چون احتمال رای‌آوری، نزدیکی با مواضع غرب، توان ایجاد ناامنی
- ۵- تضعیف جایگاه ولایت و نهادهای وابسته به آن نظیر؛ سپاه، بسیج، شورای نگهبان، صدا و سیما
- ۶- ناکارآمد نشان دادن نظام با دامن زدن به تورم، بیکاری، کاهش درآمدهای ارزی کشور و تعطیلی مراکز تولیدی
- ۷- حذف اصولگرایان و گفتمان اصولگرایی
- ۸- بزرگنمایی در اختلافات داخلی میان مسئولان، قوا، نخبگان و مردم و نظام
- ۹- معرفی خط مذاکره و رابطه با آمریکا به عنوان تنها راه حل نجات کشور

ارتباط این طرح با موضوع انتخابات این است که بازیگران خارجی ضمن افزودن فشارها و تحریم‌ها و بغرنج کردن اوضاع، فضای داشته و خواسته جامعه را به مرز غیر قابل تحمل می کشانند. آنها سعی می کنند این گونه القاء کنند که اوضاع وخیم کشور ناشی از ناتوانی و ناکارآمدی حاکمیت است و مقصر اصلی این ناکارآمدی نیز، نهادهای اصلی نظام، رهبری و نهادهای زیر مجموعه آن و بازوهای رهبری می باشد. به دنبال این نوع عملیات روانی، تلاش می شود تا مردم را به این نتیجه برسانند که هیچ راهی جز تغییر ساختار یا تغییر نوع رویکردهای رهبری نیست و برای نجات کشور باید الگوی دیگر و آدم‌های متفاوتی روی کار آیند. در این میان، جریان‌ات و بازیگران داخلی (اعم از فتنه و باند انحراف) نیز به گونه ای عملیات روانی راه می اندازند که هم‌نوا با بازیگران خارجی، اوضاع وخیم اقتصادی، امنیتی و سیاسی (داخلی و خارجی) را به ساختار ناشی از قانون اساسی نسبت دهند.

در چنین شرایطی، نظام ج.ا.ا که در حال فراهم کردن مقدمات انتخابات ریاست جمهوری یازدهم است، بازیگران خارجی، جریان فتنه، ضد انقلاب و باند انحرافی نیز خود را برای بهره‌گیری از فضای موجود جهت رقابت‌های انتخاباتی آماده می‌کنند. از سوی دیگر، جامعه که خود را تحت فشار شدید زندگی می‌بیند، بر اثر تبلیغات و عملیات روانی دشمن، به دنبال رهایی از وضعیت موجود است و صحنه انتخابات را به عنوان فرصت جهت برون رفت از تنگنای معیشتی در نظر گرفته و در انتظار پیروزی فردی در انتخابات است که کشور را از اوضاع بی‌ثبات و بغرنج اقتصادی نجات دهد.

بدین ترتیب مطالبات معیشتی و اقتصادی مردم با مطالبات سیاسی گروه‌ها در صحنه انتخابات گره می خورد. در این راستا بازیگران فتنه جدید، پیروزی شان را به مثابه نجات ملی از اوضاع بغرنج اقتصادی، اجتماعی و سیاسی القاء می‌کنند.

سوال ۷- عوامل داخلی سناریوی نجات ملی چه جریاناتی هستند و چه نقشی برای هر یک از آنها در نظر گرفته شده است؟

طراحان سناریوی «نجات ملی» برای دو جریان فتنه و انحراف نقش‌هایی را در نظر گرفته‌اند که بخشی از آنها عبارتند از:

الف) عوامل وابسته به فتنه:

- ۱- بزرگنمایی در نابسامان نشان دادن وضع اقتصادی
- ۲- سیاه‌نمایی در مشکلات معیشتی جهت ناگزیر جلوه دادن نظام در برقراری رابطه با آمریکا
- ۳- ناکارآمد جلوه دادن اصولگرایان با نسبت دادن مشکلات جامعه به مدیریت آنها
- ۴- زیر سوال بردن سلامت انتخابات جهت اثبات ادعای خود در انتخابات ریاست جمهوری گذشته
- ۵- دامن زدن به اختلافات میان طیف‌های مختلف اصولگرایان
- ۶- احتمال تحریم صوری انتخابات و هماهنگی با یک جریان خاص
- ۷- مشارکت در پروژه ناامن سازی اجتماعی و بی‌ثبات سازی سیاسی
- ۸- تخریب نامزدهای مطرح اصولگرایان از طریق حمایت از آنها

ب) نقش باند انحرافی در سناریوی نجات ملی:

از نظر غربی‌ها به عنوان طراح «سناریوی نجات ملی» باند انحرافی نزدیک به دولت می‌تواند نقش زیادی در راستای تحقق این سناریو ایفاء نماید. برخی از موارد مهم این نقش عبارتند از:

- ۱- ناتوان نشان دادن دولت در مقابله با تحریم‌ها
- ۲- فراهم ساختن زمینه مذاکره با آمریکا
- ۳- بغرنج نشان دادن وضعیت کشور (ادعای شرایط شعب ابی طالب)
- ۴- تلاش برای معرفی تعداد زیادی نامزد برای شکستن آرای اصولگرا
- ۵- تخریب نامزدهای اصلی اصولگرایان
- ۶- ناکارآمد جلوه دادن اصولگرایی
- ۷- دامن زدن به اختلافات میان قوا و بزرگنمایی اصولگرایان
- ۸- معرفی اصولگرایان به عنوان عامل اصلی مشکلات جامعه
- ۹- درگیری و اختلاف با دیگر قوا با هدف بزرگنمایی عملکرد قوه مجریه
- ۱۰- خراب کردن الگوی وحدت اصولگرایان با راه اندازی بازی پیچیده
- ۱۱- هجمه به نهادهای انقلابی
- ۱۲- مصادره به مطلوب خدمات دولت
- ۱۳- ارائه چهره‌ای باز و اهل تساهل در حوزه فرهنگ

سوال ۸- با توجه به تردیدهای جریان اصلاحات برای ورود به عرصه رقابت‌ها، آیا علائمی دال بر نیامدن آنها به انتخابات وجود دارد یا خیر؟

آخرین وضعیت حاکم بر اصلاح طلبان نشان می‌دهد در این جریان طیف تحریمی‌ها در اقلیت قرار گرفته و بخش عمده آن خود را برای ورود به عرصه رقابت‌ها آماده می‌کند.

این ادعا از آن رو صورت می‌گیرد که وضعیت حاکم بر اصلاح طلبان بیشتر تحت تاثیر انتخابات مجلس نهم قرار دارد تا فتنه ۸۸، چرا که دریافته‌اند ادامه قهر با انتخابات و عدم حضورشان تاثیر زیادی بر حضور مردم در پای صندوق‌های رای ندارد؛ لذا خود را ناگزیر به ورود در عرصه رقابت می‌دانند اما نه با گروه‌ها و افرادی بنام اصلاحات و افراد درجه دو، بلکه معتقدند الزاما باید منسجم و هماهنگ عمل کرد.

مانع بزرگ اصلاح طلبان برای بازگشت، گذشته آنها در دوره حضور در قدرت و مهمتر از آن دوره پس از قدرت و کارنامه رقابت با اصولگراها در دوره دهم ریاست جمهوری است که به فتنه ۸۸ منجر شد. آنها بر سر دو راهی تقبیح عملکرد گذشته و دفاع از آن مانده‌اند؛ به گونه‌ای که اگر تخطئه کنند دچار ریزش شدید می‌شوند و شاید به انشعاب بزرگی برسند و اگر تبریئه کنند، از سوی نظام و مردم مورد استقبال قرار نخواهند گرفت.

از همین رو، اصلاح طلبان افراطی به همراه اپوزیسیون داخل و خارج کشور به آن دسته از اصلاح طلبانی که قصد دارند در انتخابات حضور فعال داشته باشند، فشار وارد می‌کنند تا از این اقدام اجتناب کنند.

سوال ۹- در صورت ورود اصلاح طلبان به انتخابات راهبرد و تاکتیک های آنها چیست؟

با وجود نکات بالا می‌توان گفت اصلاح طلبان در انتخابات آتی حضور خواهند داشت تا به نوعی رقابت میان اسلام‌خواهان حداکثری و حداقلی ادامه یابد.

لذا جریان اصلاحات با سه وضعیت روبرو هستند:

الف) ائتلاف حداکثری جهت دستیابی به یک نامزد رادیکال

ب) ائتلاف حداقلی به منظور معرفی یک نامزد معتدل

ج) مشارکت اعلامی بدون معرفی نامزد

راهبرد اصلاح طلبان برای هر یک از وضعیت های فوق عبارت است از:

۱- رادیکالیزه کردن وضعیت با طرح مطالبات افراطی از نظام

۲- بازگشت آرام به قدرت و مطالبه گری تدریجی از نظام

۳- بازگشت به قدرت از طریق کرسی شوراهای اسلامی شهر و روستا

تاکتیک‌های طراحی شده از سوی اصلاح طلبان برای رسیدن به این راهبرد که برخی از آنها از هم اکنون هویدا شده، عبارتند از:

۱- دامن زدن به بحث انتخابات و رقابت های سیاسی به شکل زود هنگام.

۲- دامن زدن به موضوعات اختلافی میان قوا و پررنگ کردن آنها.

۳- تعمیم اشکالات وارده به دولت به همه اصولگرایان و حتی نظام.

۴- معرفی تفکر اصولگرایی به عنوان عامل بروز نابسامانی‌های اقتصادی به جای تحریم ها.

۵- بهره برداری حداکثری از نابسامانی‌های اقتصادی جهت ناکارآمد جلوه دادن نظام.

۶- طرح بحث وحدت ملی جهت کاهش فضای امنیتی و بازگرداندن دوستان خطا کار خود به صحنه.

۷- فشار به نظام و ایجاد فضای روانی علیه شورای نگهبان با طرح نام افراد افراطی.

۸- اعلام پایان اصولگرایی به صرف ناکارآمدی بخشی از راهکارهای دولت در زمینه معیشت.

۹- القاء اشتباه کردن نظام یا بخش‌هایی از نظام در حمایت از دولت احمدی نژاد.

۱۰- القاء کذب بودن فتنه و وجود واقعیتی به نام تقلب.

۱۱- تلاش برای احیای فضای دو قطبی مثل دوم خرداد ۷۶

۱۲- فشار روانی به نامزدهای معتدل جهت عدم ورودی که به نفع نظام باشد.

سوال ۱۰- نامزدهای احتمالی طیف های مختلف جریان اصلاحات چه کسانی هستند؟

محمد رضا عارف - طیف میانه اصلاحات،

اسحاق جهانگیری - کار گزاران طیف کرمانی ها،

محمد علی نجفی - کار گزاران طیف اصفهانی ها،

حسن روحانی - کار گزاران و آقای هاشمی،

سیدحسن خمینی - در صورت حضور؛ همه گروه‌های اصلاح طلب،
کمال خرازی - کارگزاران و هاشمی،
مجید انصاری - مجمع روحانیون و برخی از اصلاح طلبان افراطی،
حبیب‌الله بیطرف - جریان دانشجویی اصلاح طلب،
مصطفی کواکبیان - حزب مردم‌سالاری،
مهرعلیزاده - مستقل،
حسین کمالی - خانه کارگر.

سوال ۱۱- در جریان اصولگرا چه کسانی از سوی چه طیف‌هایی به عنوان نامزد احتمالی مطرح هستند؟

غلامعلی حدادعادل (ائتلاف ۱+۲ و جمعیت ایثارگران - جمعیت رهپویان - جبهه پایداری - بخشی از جامعین)
محمدباقر قالیباف (ائتلاف ۱+۲ - جمعیت ایثارگران - جمعیت رهپویان - بخشی از جامعین)
علیرضا زاکانی (جمعیت رهپویان)
کامران باقری لنکرانی (جبهه پایداری)
سعید جلیلی (جبهه پایداری و جریان های مستقل دانشجویی)
منوچهر متکی (حزب موتلفه، کانون دانشجویان مستقل آسیای جنوب شرقی)
محسن رضایی (جبهه ایستادگی)
علی اکبر ولایتی (ائتلاف ۱+۲ و جامعه روحانیت - جبهه پیروان خط امام و رهبری)
نهادنویان (حزب موتلفه - اتاق بازرگانی - اصناف و بازار)
سیدعزت‌الله ضرغامی، مصطفی پورمحمدی و ...

سوال ۱۲- با توجه به نتایجی که جریان انحراف در انتخابات مجلس نهم به دست آورده، با چه تحلیل و راهبردی قصد ورود به انتخابات ریاست جمهوری را دارند؟

نتایج انتخابات مجلس نهم به طور طبیعی باید برای جریان حامیان دولت بیانگر این امر باشد که شانس چندانی برای عبور از فیلتر شورای نگهبان نداشته و در صورت دست زدن به تقلب و تخلف با موانع زیادی مواجه هستند.
ضمن آن که آنها در عمل دریافتند از لحاظ پایگاه اجتماعی در وضعیتی قرار دارند که نه ولخرجی‌های زیادی می‌تواند اقبال مردم را در پی داشته باشد و نه قهر و عصبانیت آنها تحركات عمومی را در پی خواهد داشت؛ لذا ورود آنها نمی‌تواند نتایج چندانی در بر داشته باشد. با این وجود اقدامات و فعالیت‌های این جریان چیز دیگری را نشان می‌دهد و واقعیت عینی بیانگر تحلیل و تصمیمات متفاوتی از سوی این جریان می‌باشد.
راهبرد اصلی این حلقه عبارت است از: بقای در قدرت با کسب کرسی قوه مجریه و یا حداقل سهم شدن در قدرت در ائتلاف با طیف جدیدی از اصولگرایان.

تاکتیک‌های دستیابی به این راهبرد که از سوی این جریان دنبال می‌شود عبارتند از:

فراکنی مشکلات و مسایل موجود به دیگر گروه‌ها
ناکارآمد جلوه دادن اصولگرایان
اختلاف افکنی بین اصولگرایان
تلاش برای تطهیر چهره و نفی انحرافی بودن و انتساب آن به نیروهای انقلاب
مظلوم نمایی و نابرابر نشان دادن صحنه رقابت انتخاباتی
تخریب دیگر قوا با هدف بزرگنمایی عملکرد قوه مجریه
مصادره به مطلوب خدمات نظام
تلاش برای ارتباط با آمریکا
بغرنج نشان دادن وضعیت کشور (سناریوی شعب ابی طالب)
استفاده ابزاری از اختیارات اجرایی در جهت کسب آراء (توزیع یارانه ها و ...)
ارائه چهره‌ای باز و اهل تساهل در حوزه فرهنگ
نزدیکی به اردوگاه اصلاح طلبان

سوال ۱۳- نامزدهای احتمالی حامیان دولت چه کسانی هستند؟

اسفندیار رحیم مشایی
علی اکبر صالحی
کامران دانشجو
علی نیکزاد
غلامحسین الهام
مجتبی ثمره هاشمی
سید احمد موسوی

سوال ۱۴- آیا احتمال شکل‌گیری فضای دوقطبی در آستانه انتخابات سال آینده وجود دارد، چرا؟

شکل‌گیری فضای رقابتی که می‌توان در حالات مختلف دوقطبی، سه قطبی و چندقطبی آن را تصور کرد، طبیعت و ذات هر انتخاباتی است. بدون شک هیچ انتخاباتی بدون رقابت به معنای واقعی کلمه انتخابات نیست؛ چرا که تا وقتی تنوع و تکثر نباشد، رقابت به وجود نخواهد آمد. با شکل‌گیری رقابت، طبیعی است که قطب بندی در انتخابات حاصل خواهد شد.

در اثر همین فضای دوقطبی است که بر شور و نشاط انتخاباتی افزوده خواهد شد و زمینه حضور گسترده و حداکثری ملت فراهم خواهد آمد، لذا قطبی شدن فضای انتخابات می‌تواند به عنوان فرصتی برای نظام اسلامی به حساب آید که برای استفاده از آن باید چاره‌ای اندیشید. البته این فرصت مانند هر ظرفیت دیگر در صورت عدم

مدیریت می تواند به تهدید نیز تبدیل شود که باید نسبت به این مساله حساس بود. به بیان دیگر، دوقطبی شدن فضای انتخابات هم فرصت است و هم تهدید. از آن جایی که دشمنان انقلاب، برای اعمال قدرت و اراده بر کشورهای مخالف و ناهماهنگ با منافع خود، در یکی - دو دهه اخیر، نگاه نرم افزاری پیدا کرده اند، لذا انتخابات به مثابه یک فرصت راهبردی برای تأمین این هدف مد نظر قرار گرفته است. یکی از تاکتیک های مهم در این راهبرد، دوقطبی سازی هیجانی برای تغییر سیاسی در معادله قدرت و به هم زدن نظم سیاسی و امنیتی است.

لذا به همین جهت سوال های اساسی وجود دارد که باید برای فهم قطب بندی های انتخاباتی به آن توجه نمود و پاسخی درخور ارائه داد. سوالاتی از این قبیل: آیا قطب بندی های شکل گرفته در انتخابات مبتنی بر واقعیت های اجتماعی جامعه است؟ آیا قطب بندی ها می تواند مشکلی از مشکلات کشور حل کرده و کشور را یک گام به پیش برد؟ آیا قطبی بندی در درون یک گفتمان همان کارکرد دوقطبی در میان گفتمان ها دارد؟ چه آفاتی برای قطبی شدن فضای انتخابات متصور است و برای رفع آفات آن چه باید کرد؟ برای آنکه فضای قطبی انتخابات، بعد از انتخابات تداوم نیابد و جامعه یکپارچه را دچار گسست و چندگانگی نکند، چه تدابیری باید اندیشید؟ برای آنکه دشمنان از فضای قطبی شده انتخابات سوء استفاده نکنند (مانند آنچه در فتنه ۸۸ به وقوع پیوست) چه باید کرد؟ برای ملاحظات امنیتی ناشی از فضای دوقطبی چه باید تدبیر نمود؟

فارغ از این مقدمه، در پاسخ به سوال مطرح شده باید گفت که تلاش برای دو قطبی کردن فضای انتخابات ریاست جمهوری یازدهم از سوی چند جریان آغاز شده است و علت آن، این است که عده ای معتقدند انتخابات های ریاست جمهوری از قواعد خاصی پیروی می کنند که دو قطبی کردن صحنه رقابت ها، تحت گفتمان های جدید یا چهره های نو از جمله موارد برجسته آن می باشد و در فضای دو قطبی صرفاً جریانی پیروز می شود که گفتمان برتر را به خود اختصاص دهد.

مروری گذرا بر ده دوره انتخابات ریاست جمهوری تا حدود زیادی مویذ این دیدگاه می باشد که در اکثر این انتخابات ها یکی از جریان های سیاسی به دنبال دو قطبی سازی بوده و با موفقیت هایی نیز روبرو بوده است. نتایج ده دوره انتخابات های ریاست جمهوری نشان می دهد در اولین دوره انتخابات ریاست جمهوری با وجود جریانات مختلف تا حدود زیادی فضای دو قطبی بین نیروهای ملی گرای لیبرال و نیروهای حزب الله شکل گرفت که البته بنی صدر در قالب نفاقی پیچیده خود را نزدیک به امام (ره) و ناجی اقتصاد کشور معرفی کرد و بر رقابش پیروز گردید. با مشخص شدن چهره واقعی لیبرال ها و منافقین، مردم مسلمان کشورمان با دقت بیشتری به گزینش دست زده و به نخست وزیر وقت که در واقع عامل رسوا شدن بنی صدر بود، رای دادند تا به وی تفهیم کنند که دیگر جای پای در کشور ندارد. لذا انتخابات دور دوم هم در فضای رقابتی دو قطبی میان مخالفان بنی صدر و هواداران وی برگزار گردید.

با شهادت شهید رجایی و نخست وزیرش مرحوم باهنر، انتخابات سوم ریاست جمهوری نیز به نوعی از سوی ملت مسلمان ایران به شکل دو قطبی میان مخالفان و موافقان نظام اسلامی درآمد که در نتیجه آن آیت الله خامنه ای با اقبال بی نظیر مردم به کرسی ریاست جمهوری نشست.

دیگر انتخاباتی که منجر به رقابت دو قطبی شد، دوم خرداد ۱۳۷۶ بود که نتیجه آن دو قطبی، به سود قطب جدید و جناح بیرون قدرت تمام شد.

چهارمین انتخابات دو قطبی در سال ۱۳۸۴ رقم خورد که آقای احمدی نژاد می دانست برنده قطب جدید خواهد بود لذا هرگز خود را وامدار اصولگراها ندانست. این دو انتخابات دو تجربه متفاوت را در اختیار دو جریان گذاشته که هر کدام به دنبال تکرار همان فضا در انتخابات آتی می باشند.

سوال ۱۵- طرح دوقطبی سازی احتمالی در انتخابات دور یازدهم ریاست جمهوری پیرامون چه مسائلی و از سوی کدام جریانات خواهد بود؟

سه جریان اصلاحات، حامیان هاشمی و حامیان دولت برای ایجاد فضای دو قطبی تلاش می کنند؛ چرا که اصلاح طلبان تجربه شیرین فضای دو قطبی را از دوم خرداد ۷۶ به یاد دارند و دولتی ها هم یک بار آن را در مقابل هاشمی خورده اند. اکنون هر سه جریان موفقیت خود را در چنین فضایی می بینند که البته گفتمان این دوقطبی ها با یکدیگر کاملاً متفاوت هستند و صد البته جناح مقابل آنها که در این فضا باید به عنوان دیو صحنه و عامل همه بدبختی ها معرفی شود، اصولگرایان خواهند بود.

اصلاح طلبان افراطی می توانند برای دوقطبی سازی به مسائلی چون مخالفان و منتقدان احمدی نژاد و موافقان وی دامن زده تا در راستای دفاع از رفتار پیشین خود در سال ۸۸ و انتقام گذشته در واقع به موافقان احمدی نژاد تفهیم کنند که آنها بوده اند که اشتباه می کرده اند. این گفتمان اگرچه ظاهری در داخل و علائمی چون تجدید نظر در سیاست خارجی را برای بیرون خواهد داشت اما پیام اصلی و باطنی آن رقابت بین اسلام خواهان حداکثری و حداقلی می باشد.

دولتی ها هم به جریان سازی خط سوم پرداخته و می خواهند خود را به عنوان جریانی که نه منحصر به اصولگراها و نه وابسته به اصلاح طلبان است، معرفی کنند، لذا دو قطبی این جریان در فضایی میان دولت فعلی و همه مخالفانش شکل می گیرد. چنانچه روزنامه ارگان دولت (ایران) چندی پیش همه اصولگراها را در کنار گروه های اپوزیسیونی و مخالفان نظام و آمریکا و رژیم صهیونیستی قرار داد و از آنها به عنوان مخالفان دولت نام برد.

گفتمان جریان حامیان هاشمی برای دوقطبی سازی به مواردی چون «وحدت ملی» و «انتخابات آزاد» منحصر می شود. آنچه در مقطع کنونی به تحقق این گفتمان مدد می رساند، وضعیت حاکم بر جبهه اصولگرایان می باشد که به خاطر پاره ای از مسائل نمی توانند از دولت حمایت کرده و این شائبه را برای برخی ایجاد نموده که این جریان از حمایت های پیشین خود نیز نادم گردیده است. لذا از نگاه طراحان وحدت ملی، با این شعار هم می توان اقبال برخی اصولگراها را داشت و هم اصلاح طلبان که برای خروج از وضعیت فعلی به این گفتمان به عنوان یک راه خروج می نگرند. لذا وحدت ملی با هدف مدیریت هم زمان اصلاح طلبان و اصولگرایان دنبال می شود.

سوال ۱۶- دوقطبی سازی و قرمز و آبی کردن جامعه چه پیامدهای منفی را در بردارد؟

دو قطبی سازی عوارض و عواقب منفی زیادی دارد که برخی از آنها عبارتند از:

۱- امکان بهره برداری سوء و کشاندن انتخابات به فضای امنیتی

۲- باقی ماندن کدورت های ناشی از دوقطبی سازی در جامعه

۳- زمینه سازی برای نفوذ دشمنان انقلاب اسلامی

۴- کاهش بسترهای لازم برای گزینش صحیح مردم در سایه حاکمیت فضای احساسی

۵- فراهم شدن زمینه تخریب نامزدها و فضای افراطی

برای اطلاع بیشتر از پیامدهای منفی دوقطبی سازی فضای انتخاباتی، لازم است به اهداف انتخاباتی نظام و جبهه مقابل آن، یعنی نظام سلطه توجه کرد.

سوال ۱۷- چرا و چگونه گفتمان اصول گرایی می تواند به حضور خود در حاکمیت ادامه دهد؟

این جریان می تواند با توجه به هویت خویش اثبات کند که یک جریان مقطعی و زودگذر نیست و اصولگرایی به یک فرد یا یکی دو قوه وابسته نیست؛ بلکه یک جریان فکری، اعتقادی و در برگیرنده مجموعه وسیعی از جامعه که طرفداران گفتمان دینی و خواهان حاکمیت اسلام ناب و ارزش ها در جامعه و استقرار اصول و مبانی و گفتمان حضرت امام(ره) و رهبری معظم انقلاب در تار و پود کشور و جامعه می باشند. لذا با جابجایی دولت ها و یا تغییر در جهت گیری افراد، تغییر هویت نمی دهد.

گفتمان اصولگرایی هنوز به دلیل شفافیت، نو بودن، همخوانی با نیازهای جامعه، همسویی با ارزش ها، انسجام نظری و معنایی و توانایی کاهش آسیب ها و ضعف های شناسایی شده جذابیت لازم را برای تجدید حیات و استمرار حضور دارد. اصولگرایان می توانند با همگرایی و وحدت با یکدیگر مورد اقبال عمومی واقع شده و به بازخوانی و آسیب شناسی خود اقدام کنند و همچنان با جریاناتی که با دستیابی به قدرت خود مانع پیشرفت کشور می شوند، مقابله کنند. اصول گرایان می توانند با توجه به دستاوردهای عظیمی که در سایه یک دهه حضور در عرصه حاکمیت تحصیل نموده اند، ضرورت ادامه حضور خود در قدرت را برای مردم توجیه پذیر کنند.

دستاوردهای اصولگرایان در دهه اخیر عبارتند از:

۱. افزایش جایگاه و اقتدار جمهوری اسلامی
۲. نقش آفرینی تاثیرگذار بر معادلات منطقه ای و حمایت از خط مقاومت در تحولات سوریه و جنگ دوم غزه
۳. بازگشت به مبانی و اصول انقلاب
۴. ایجاد زمینه حاکمیت و اجراء تدابیر و منویات مقام معظم رهبری
۵. تحولات گسترده در عرصه های علمی و فناوری به ویژه جهش در موضوع انرژی هسته ای
۶. قطع نفوذ بیگانگان در سیستم اجرایی کشور
۷. بازگشت به شعار و اصل استکبار ستیزی
۸. تقویت جبهه مقاومت
۹. تاثیر گذاری در جریان اسلامی در لبنان، عراق و ترکیه
۱۰. تاثیر گذاری در بیداری اسلامی

سوال ۱۸- آخرین اخبار انتخاباتی از وضعیت جریانات سیاسی چیست؟

در جبهه اصولگراها، تلاش هایی برای افزایش تعداد اعضای ائتلاف ۲+۱ صورت می گیرد که شنیده ها حاکی است تعداد دیگری از نامزدهای اصولگرا تمایل خود را برای پیوستن به این ائتلاف نشان داده اند. البته بحث مهمی که در این

رابطه وجود دارد، حمایت تشکل‌های اصولگرا از نتیجه این مدل می‌باشد که با توجه به نقش مهم جامعه مدرسین در این زمینه، تلاش برای ورود این جامعه ادامه دارد. لازم به ذکر است که برخی از کارشناسان سیاسی معتقدند سخنان آیت‌الله مصباح یزدی پیرامون لزوم انتخاب اصلاح، امیدها را برای پیوستن جبهه پایداری به هر نوع مدل وحدت بخش در اردوگاه اصولگرایان کاهش می‌دهد.

جریان انحراف به بهانه فرارسیدن ماه ربیع الاول از شعار انتخاباتی خود رونمایی کرد و در تیر اول روزنامه خورشید نوشت: «زنده باد بهار». این شعار همچنین از طریق پیامک به برخی از گیرندگان پیامکی جریان انحراف ارسال می‌شود. در جریان حامیان دولت بحث جریان سوم با مخالفت برخی از سران انحراف روبرو شده است. علت مخالفت مشایی زودهنگام بودن طرح جریان سوم به صورت رسانه‌ای عنوان شده و قرار بوده جریان سوم جایگزین عنوان جریان انحراف گردد تا از بار منفی آن در انتخابات بکاهد.

در جریان اصلاحات، عارف در مصاحبه‌ای اعلام کرده که به مکانیزم انتخاباتی اصلاح طلبان پایبند است. این امر نشان می‌دهد فشارها و مذاکره با وی موثر بوده و نباید رفتن اصلاحات به سمت گزینه‌های حداکثری را منتفی دانست. در کنار مذاکره با عارف، فشارها برای آوردن سید حسن از سوی اصلاح طلبان ادامه دارد. آنچه در این رابطه تاثیر گذار گردیده و باید آن را موضوع جدیدی به حساب آورد، خبر دیدار مجدد سید حسن با احمدی نژاد می‌باشد که در صورت تایید، میزان تاثیر آن بر اراده وی بسیار مهم است. بخشی از فرمایشات حضرت آقا در خصوص ویژگی نامزدها در این راستا قابل تحلیل است. خبرگزاری ایرنا به این بخش از سخنان آقا هیچ اشاره‌ای نکرده است. شایعه ورود علی مطهری را اصلاح طلبان مطرح کرده و دیدار وی با هاشمی را در واقع هماهنگی با ایشان ارزیابی می‌کنند.

عباس عبدی در مصاحبه‌ای گفته است مناسب‌ترین گزینه اصلاحات، محمد علی نجفی است. این سخن وی بیانگر کوتاه نیامدن افراطیون در مقابل تلاش‌های خاتمی است.

سعید حجابیان اخیراً در مصاحبه‌ای اعلام کرده است آنچه تحت عنوان فعالیت اصلاح طلبان در رسانه‌ها منعکس می‌شود، کار اصولگرایان است و در واقع هیچ اتفاقی نیفتاده است. این اظهار نظر وی را باید در راستای فشار افراطیون به نظام و لزوم امتیازگیری و شرط‌گذاری اصلاح طلبان تحلیل کرد.

موضوع دیگری که جریان اصلاحات دنبال می‌کند، بحث انتخابات مهندسی شده می‌باشد. در این رابطه می‌توان به مصاحبه زیبا کلام اشاره کرد که می‌گوید علی اکبر ولایتی برنده انتخابات آینده است و باید او را از هم اکنون رئیس‌جمهور دانست. هدف دیگر طرح چنین ادعاهایی را باید تلاش برای برهم زدن ائتلاف اصولگرایان ارزیابی کرد.